

انتخاب قرائات از دیدگاه امین الاسلام طبرسی*

کریم پارچه‌باف دولتی**

چکیده

دو تفسیر «مجمع البیان لعلوم القرآن» و «جوامع الجامع» از ابوعلی فضل بن حسن طبرسی در طول نزدیک به ده قرن که از تألیفشان می‌گذرد، هم‌چنان بر تارک دانش تفسیر قرآن می‌درخشند و الهام‌بخش بسیاری از تفاسیر پس از خود بوده‌اند. توجه به قرائات قرآنی در این دو تفسیر افزون بر اینکه گویای تسلط طبرسی بر این علم می‌باشد، می‌تواند یافته‌های موجود در زمینه گرایش‌ات قرائت قرآن در قرن و منطقه زندگی ایشان را تکمیل کند.

در این نوشتار، ضمن ارائه برخی از مستندات موجود درباره وضعیت قرائت قرآن در منطقه خراسان بزرگ تا پیش از زندگی طبرسی در قرن پنجم قمری، گزارش دقیقی از موضوع قرائت در دو تفسیر یاد شده، ذکر و گرایش مفسر در انتخاب یا ترجیح قرائت در خلال تفسیر آیات قرآن مطرح گردیده و نشان داده شده است که تا دوره زندگی وی، هیچ یک از قرائات هفت‌گانه مشهور در خراسان تعیین نداشته است، ولی تمایل زیادی به قرائت ابوعمر و بصری وجود داشته است. طبرسی نیز دیدگاهش در معنای آیات را به خصوص در مواردی که با مفهوم آیه سازگارتر است، در هر دو تفسیرش همان قرائت قرار داده است.

واژگان کلیدی: قرآن، علم قرائات قرآن، مجمع البیان، جوامع الجامع، طبرسی، تاریخ قرائات.

* . تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۸ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۹/۲

** . استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مذاهب اسلامی kdownlati@chmail.ir

۱. مقدمه

یکی از دانشمندان قرآنی برجسته قرون پنجم و ششم قمری، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی است. بررسی این دو تفسیر، مجمع البیان لعلوم القرآن و جوامع الجامع، نشان از تعمق طبرسی در دانش‌های مختلف، از جمله قراآت قرآنی دارد.

در این نوشتار، ابتدا زندگی‌نامه این عالم با معرفی اساتید، شاگردان و آثارش به طور ویژه بیان می‌گردد. سپس به اجمال، وضعیت قرائت مردم منطقه خراسان بزرگ تا پیش از دوره زندگی وی (قرن پنجم قمری) بررسی می‌شود. آن‌گاه موضوع قرائت به طور ویژه در هر دو تفسیر بررسی و جمع بندی می‌شود تا در نهایت، به گرایش خاص او در قرائت دست یابیم.

۲. زیست شناخت طبرسی

ابوعلی فضل بن حسن طبرسی معروف به امین الاسلام در سال ۴۶۸ ق در خراسان دیده به جهان گشود. اصالت وی را تفرش یا مازندران دانسته‌اند، ولی قطعاً نشو و نما و تربیتش در خراسان بوده است. طبرسی عمرش را در دو شهر مشهد مقدس و سبزوار (بیهق) گذراند. هر چند وجهه برجسته و معروف علمی او، به خصوص با توجه به آثارش، قرآنی و ادبی بوده است، در فقه و تاریخ نیز چهره‌ای سرشناس به شمار می‌رود. وی در سال ۵۲۳ ق به سبزوار عزیمت کرد و پس از هشتاد سال عمر، در نهایت، در عید قربان سال ۵۴۸ ق در سبزوار وفات یافت. جسدش را به مشهد مقدس منتقل کردند و در نزدیکی حرم مطهر رضوی مدفون گردید (تهرانی، ۱۳۹۲: ۲۱۶-۲۱۷؛ امین، ۱۳۹۲: ۶۴-۶۵؛ ذهبی، بی تا: ۲، ۹۹-۱۰۰؛ معرفت، ۱۳۸۷: ۸۵۶؛ ایازی، ۱۳۸۶: ۳، ۱۰۲۸-۱۰۲۹؛ طبرسی، ۱۳۷۸: ۱، ۲۰-۲۷؛ کخاله، بی تا: ۸، ۶۶-۶۷). از جمله اساتید وی که می‌توان یاد کرد، ابوعلی پسر شیخ طوسی، ابوالوفاء رازی و عبدالله بن عبدالکریم بن هوازن قشیری می‌باشد. وی شاگردان متعددی نیز داشت که از آن جمله می‌توان به پسرش حسن بن فضل (صاحب مکارم الاخلاق)، ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب، شیخ منتجب الدین (صاحب الفهرست)، قطب راوندی و سید فضل الله راوندی اشاره کرد. (تهرانی، ۱۳۹۲: ۲۱۷؛ امین، ۱۳۹۲: ۶۵-۶۶). برای ایشان، آثار فراوانی ذکر شده است. از میان آن‌ها، برخی قطعاً تألیف او و تعدادی منسوب به اوست. مجمع البیان لعلوم القرآن، جوامع الجامع

یا جامع الجوامع، الکاف الشاف من کتاب الکشاف، الوجیز فی التفسیر، الوافی فی تفسیر القرآن و العمدة فی اصول الدین همگی به زبان عربی، و الفرائض و النوافل به زبان فارسی از آثار قطعی اوست. هفت کتاب و رساله نیز به او منسوب است؛ از جمله: نثر اللالی گزیده‌ای از فرمایشات امیرالمؤمنین علیه السلام به ترتیب حروف الفبا (امین، ۱۴۲۰: ۱۳، ۶۶-۶۷).

۳. نگاهی به تفسیر مجمع البیان

شیوه طبرسی در مجمع البیان چنین است که در ابتدای هر سوره، پس از ذکر نام سوره، دیدگاه‌های مختلف درباره مکی یا مدنی بودن سوره را معمولاً بدون اظهار نظر صریح، ذیل نام سوره بیان می‌دارد. سپس تعداد آیات سوره را همراه با اختلاف احتمالی در آن ذیل عناوین «عدد آیها» و «اختلافها» بیان می‌دارد. فضیلت قرائت سوره، عنوان بعدی است که با عنوان «فضلها» متمایز شده است. آن گاه «تفسیرها» ذکر می‌شود که در واقع عنوانی است که از آن پس، تفسیر سوره آغاز می‌شود. متن یک یا چند آیه، حسب طول آنها ذکر می‌شود و عناوینی که معمولاً پس از آن می‌آید، عبارت است از: القراءه، الحجة، الاعراب، النزول و المعنی. عنوان دیگری که گاهی به چشم می‌خورد، «النظم» است که به تناسب آیات و سوره‌ها اختصاص دارد. استفاده طبرسی از دو تفسیر مهم پیش از خود بسیار مشهود است؛ یکی التبیان الجامع لعلوم القرآن تألیف شیخ طوسی (۴۶۰ق) که در مقدمه تفسیرش نیز از آن یاد کرده است (طبرسی، ۱۳۸۴: ۱، ۱۵) و دیگری جامع البیان فی تأویل آی القرآن تألیف ابوجعفر محمد بن جریر طبری (۳۱۰ق) است. تأثیر التبیان بر این تفسیر، در توضیح بسیاری از آیات نمایان است و توجه به جامع البیان در آن، به خصوص در آیات اعتقادی به چشم می‌خورد (ذهبی، بی تا: ۲، ۱۰۰-۱۰۳؛ ایازی، ۱۳۸۶: ۳، ۱۰۲۹-۱۰۳۲؛ معرفت، ۱۳۸۷: ۲، ۸۵۶-۸۶۳).

۴. نگاهی بر تفسیر جوامع الجامع

شیوه طبرسی در جوامع الجامع - که بعد از مجمع البیان و الکاف الشاف من کتاب الکشاف تألیف شده است - با توجه به اختصارش، این گونه است که در ابتدای هر سوره، پس از ذکر نام سوره، مکی یا مدنی بودن سوره را معمولاً بدون آوردن توضیح بیان می‌دارد. سپس تعداد آیات سوره را همراه با اختلاف احتمالی در آنها ذکر می‌کند. فضیلت

قرائت سوره، مطلب بعدی است که مورد اشاره واقع شده است. آن گاه متن آیات را معمولاً به صورت تکی و گاه چند آیه با هم با حرف اختصاری «ق» که اشاره به قرائت آیه دارد، می‌نویسد. سپس با حرف اختصاری «ت» که بر تفسیر دلالت دارد، به تفسیر می‌پردازد. برخلاف مجمع البیان که کتابی است دارای فصل‌بندی و ابواب مشخص در بیان لغت، قرائت، اعراب و سایر موضوعات، در این تفسیر، ذیل هر آیه به بیان مجموع نکات مورد نظر پرداخته شده است. طبرسی در جوامع الجامع کم‌تر به نکات فقهی پرداخته است، ولی توجه اصلی تفسیر به نکات ادبی است. روش ادبی وی نیز الگوی زیادی از کشف زمخشری برگرفته است و به تعبیری می‌توان آن را تلخیصی از کشف دانست که با رویکرد شیعی انجام پذیرفته است (ایازی، ۱۳۸۶: ۲، ۷۴۱-۷۴۴؛ طبرسی، ۱۳۷۸: ۱، ۲۷-۳۲).

۵. وضعیت عمومی قرائت در خراسان بزرگ تا عصر طبرسی

برای دستیابی به وضعیت عمومی قرائت در هر منطقه‌ای، کافی است به مصاحف متداول آن منطقه، ترجمه‌های قرآنی موجود از آن‌جا، مقربان سرشناس و گزارش‌های عالمان و مورخان مراجعه شود. در آخرین مرحله، استناد به تفاسیر قرآنی نیز مفید خواهد بود. البته به سبب اعمال نظر مفسر در اختیار قرائت، نمی‌توان از قرائت مرجح وی، به طور قطعی به قرائت عمومی آن منطقه پی برد. به همین منظور، نمونه‌هایی از مصاحف و ترجمه‌ها، هم‌چنین شرح احوال مقربان و گزارش‌های موجود از قرائات قرآن در خراسان بزرگ تا عصر زندگی طبرسی (قرن پنجم و ششم قمری) ارائه می‌شود.

۵-۱. مصحف مطبوع با عنوان «بخشی از تفسیری کهن به پارسی»

این نسخه توسط کاتبی ناشناخته نگارش یافته است. مترجم - مفسر این اثر ناشناخته است. این اثر، قرآن مترجم و مفسری است که شامل بخشی از آیه ۱۷۶ سوره اعراف تا آیه ۶۹ سوره نحل می‌باشد. در برخی از صفحات، ریختگی، کلمات ناخوانا و افتادگی‌هایی نیز وجود دارد. محقق این ترجمه - تفسیر، با ذکر دلایل و شواهد زبانی، گویشی و تفسیری نشان داده که این اثر اواخر قرن سوم یا قرن چهارم در منطقه خراسان بزرگ نگارش یافته است (آیت‌الله زاده شیرازی، ۱۳۷۵: شش - بیست و دو).

در بررسی قرائات در نسخه مذکور نکاتی روشن گردید:

۱. در مواضعی، قرائت مورد نظر مفسر روشن نیست؛ مانند: «ترتع و نلعب» یا «ترتع و نلعب» (یوسف: ۱۲).
۲. در برخی موارد، مفسر قرائتی را اصل قرار داده، ولی به قرائات دیگر نیز اشاره می‌کند؛ نظیر اصل قرار دادن قرائت «طائف» (اعراف: ۲۰۱) و اشاره به قرائت «طیف»، تمام قرائات در «لایهدی» (یونس: ۳۵).
۳. در برخی موارد، مفسر قرائتی را ترجیح داده یا تضعیف کرده است؛ نظیر: «اصولاتک» (هود: ۸۷) و «ولایتهم» (انفال: ۷۲) و تضعیف «اصلاتک»، و «ولایتهم».
۴. مفسر در یک موضع به قرائت شاذ هم اشاره دارد: «رئما» (حجر: ۲).
۵. نمونه‌هایی که قرائت مورد نظر مترجم - مفسر با روایت حفص از عاصم مخالفت دارد، «تعملون» (انفال: ۳۹) با انفراد شعبه از عاصم و «یمکرون» (یونس: ۲۱) با انفراد روح از یعقوب است.
۶. نسخه مورد بررسی با هیچ یک از قرائات ده‌گانه مشهور مطابقت ندارد، هر چند اظهار نظر قطعی در خصوص تطابق با یک اختیار هم ممکن نیست. با این حال، در میان ۱۸ موضع مخالف با روایت حفص در محدوده تقریبی پنج جزء از قرآن کریم، بیشترین نزدیکی با قرائات ابن‌کثیر، ابوعمر و نافع با ۱۶، ۱۴ و ۱۴ موضع است. کمترین تعداد به قرائات حمزه و کسائی و روایت شعبه از عاصم هر یک با ۸ موضع است. یک موضع انفراد شعبه از عاصم و موضعی دیگر انفراد روح از یعقوب قابل توجه است.

۲-۵. ترجمه تفسیر منسوب به طبری

این اثر هر چند با عنوان «ترجمه تفسیر طبری» در دسترس قرار دارد، در واقع، ترجمه و تفسیری بر قرآن است که در تألیف آن، به جامع البیان طبری توجه شده است، ولی نظر دیگر محققان - و چه بسا خود نویسندگان اثر - در آن منعکس گردیده است. البته این امر، از ارزش و اهمیت این اثر نمی‌کاهد، بلکه عنوانش را تصحیح می‌کند. این اثر دارای کلمات و اصطلاحاتی سره، ناب و ترکیباتی استوار است که نشان از غنای زیاد فارسی‌داری دارد. این ترجمه قرآن را که «نخستین ترجمه رسمی» نامیده‌اند، با این ویژگی‌ها و به پشتیبانی

حکومت وقت پا به میدان نهاد و منتشر شد (آذرنوش، ۱۳۷۵: ۲۵-۲۸؛ عمادی حائری، ۱۳۸۶: ۱۸-۲۲). قسمت ترجمه آیه با تفسیر همان آیه در متن تفسیر، از لحاظ ساختار، کاهش و افزایش، پای بندی به ساختار زبان عربی تفاوت جدی دارد (آذرنوش، ۱۳۷۵: ۳۲ - ۴۹). مترجمان این اثر کهن، گروهی از علمای ماوراءالنهراند که بر اساس تفسیر جامع البیان معروف به تفسیر طبری و با دستور امیر منصور بن نوح سامانی (حاکم مناطقی از ایران در بین سال‌های ۳۵۰ - ۳۶۶ ق) صورت پذیرفت. هر چند نام برخی از بزرگان که به انجام این کار اجازه داده‌اند، در مقدمه کتاب آمده است (آذرنوش، ۱۳۷۵: ۲۷-۲۵؛ یغمایی، ۱۳۳۹: ۱، ۵ - ۷؛ عمادی حائری، ۱۳۸۶: ۱۷ - ۱۸).

در بررسی قرائات در این اثر، نکاتی روشن گردید:

۱. مواضعی که قرائت مورد ترجیح مشخص نیست یا ابهامی در آن وجود دارد، زیاد است؛ نظیر: «الاولیان» یا «الاولین» (مائده: ۱۰۷) و «مئثال» یا «مئثال» (انبیاء: ۴۷).
۲. در مواردی، ترجمه ناقص می‌نماید؛ مانند: «ترجع» (بقره: ۲۱۰) که به صورت «بازگشت کارها» ترجمه شده است و حالت فعلی در آن وجود ندارد. البته احتمال دارد چنین نواقصی به خاطر استنساخ پدید آمده باشد.
۳. در برخی مواضع، ترجمه یک عبارت به گونه‌ای در نسخه‌ها آمده که قرائات مختلف را شامل می‌شود؛ مثل: «و لا تسأل» (بقره: ۱۱۹)، «ما نُنزِلُ الملائکه» (حجر: ۸)، «بملکنا» (طه: ۸۷)، «و کتبه» (تحریم: ۱۲) و «بشهاداتهم» (معارض: ۳۳).
۴. در موارد معدودی در قرائت کلمه یا عبارت مشابه در دو سوره، هماهنگی وجود ندارد؛ مانند عبارت «من کل زوجین» (هود: ۴۰) که مطابق قرائت غیر عاصم به روایت حفص ترجمه شده است، ولی در آیه ۲۷ سوره مؤمنون با قرائت عاصم به روایت حفص مطابق است.
۵. در برخی مواضع، ترجمه از نظر قرائات موجود در آن موضع، ناصحیح است؛ مانند «فاقتلوهم» (بقره: ۱۹۱) که «کارزار کنید با ایشان» ترجمه شده است. هم‌چنین «و لنجزین» (نحل: ۹۶) به صورت «و هر آینه جزا دهند» و «و نُزِلُ الملائکه» (فرقان: ۲۵) به شکل «و فرستاده آمد فرشتگان را» ترجمه شده است.

۶. در مواردی، قرائت مورد نظر در ترجمه با روایت حفص قطعاً متفاوت است؛ مانند «مَلِک: پادشاه» (حمد: ۴) بر اساس قرائات حمزه، ابوعمر، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر و ابن عامر و «ان تضلّ: اگر پوشیده شود» (بقره: ۲۸۲) بر اساس قرائت حمزه.

۷. در این اثر کهن، همه مواردی که قرائتی متفاوت با حفص از عاصم دارد، ۱۵۷ موضع است و بیشترین فراوانی در این موارد، مربوط به قرائت ابوعمر با ۱۱۳ موضع است و کمترین آن به قرائت عاصم به روایت شعبه با ۶۰ موضع اختصاص دارد. در این میان، قرائت ابن کثیر با ۱۰۵ و با احتساب دو مورد نقل هر یک از راویانش ۱۰۷ موضع در جایگاه دوم قرار دارد. انفرادات قرائات در این اثر، مربوط است به: حمزه ۳ موضع، ابوعمر، ابن کثیر، کسائی، شعبه، ابن عامر و ابوجعفر هر یک ۲ موضع و نافع ۱ موضع. از بررسی ترجمه تفسیر منسوب به طبری روشن می‌شود در کل اثر، قرائت واحدی مورد ترجیح نبوده است. قرائت اثر، نزدیکی بیش‌تری با قرائت ابوعمر و بصری دارد.

۳-۵. تفسیری بر عَشْرِي از قرآن مجید

این تفسیر یا به تعبیر بهتر، ترجمه مشروح قرآن کریم، در اصل مشتمل بر ده بخش بوده است، ولی تنها ششمین بخش از این ده مجلد در دست است که شامل اجزای ۱۶ تا ۱۸ از قرآن می‌باشد. در ابتدای تفسیر هر سوره، به تعداد آیه‌ها و مکی یا مدنی بودن آن سوره اشاره می‌شود. سپس متن آیات به تفکیک، و به ندرت در برخی موارد متن دو یا سه آیه ذکر و ترجمه و تفسیر مختصر آن می‌آید. روایات، سخن صحابه و داستان‌های مربوط به اسباب نزول یا محتوای آیات معمولاً پس از پایان تفسیر آیات ذکر شده است. روایت درباره فضیلت قرائت سوره، در پایان سوره آمده است. رگه‌هایی از اقوال عرفا و صوفیان از قبیل جنید، ابوسعید خراز، بایزید بسطامی، ذوالنون مصری و سهل تستری نیز در این تفسیر دیده می‌شود. هم‌چنین استشهادهایی به ابیات عربی یا فارسی صورت گرفته است. مترجم - مفسر گاهی نظر خود را نیز به عنوان جمع‌بندی ذکر می‌کند (متنی، ۱۳۴۹: پانزده - شانزده). مترجم - مفسر این اثر، ناشناخته است. با توجه به بررسی‌ها و تحقیقات محقق در مقدمه اثر چاپ شده، باید گفت این مفسر که پس از قرن چهارم قمری و احتمالاً تا پیش از پایان قرن ششم می‌زیسته، از اهل سنت بوده است. وی از نزدیکان یا شاگردان مستقیم یا باواسطه

شخصی با عنوان «خواجه امام» است (متینی، ۱۳۴۹: پانزده - بیست و دو).

در بررسی قرائات در این اثر، نکاتی روشن می‌شود:

۱. در بسیاری از مواضع، قرائت مورد نظر مفسر در تفسیر روشن نیست؛ نظیر «عَتِيَاءُ» یا «عَتِيَاءُ» (مریم: ۸) و «إِنَّ» یا «إِنْ» (طه: ۶۳).
۲. در مواردی، انعکاس دقیق قرائت در ترجمه ممکن نیست و نمی‌توان قرائت مرجح در نظر وی را شناخت؛ مانند: «غَيْرُهُ» یا «غَيْرِهِ» (مؤمنون: ۲۳) و «تَسَاقَطُ» یا «تَسَاقَطُ» (مریم: ۲۵).
۳. تنها چهار موضع در تمام این سه جزء وجود دارد که مفسر در متن تفسیر به قرائات مختلف ولی بدون ذکر نام قاری و ترجیح قرائتی بر قرائت دیگر اشاره دارد. این مواضع عبارت‌اند از: «مِن تَحْتِهَا» و «مَنْ تَحْتَهَا» (مریم: ۲۴) (متینی، ۱۳۴۹: ۶۳)، «مُخْلِصاً» و «مُخْلِصاً» (مریم: ۵۱) (همان)، «تُرْضَى» و «تُرْضَى» (طه: ۱۳۰) (همان، ۱۵۳) و «أُذِنَ» و «أُذِنَ» (حج: ۳۹) (همان، ۲۶۱).
۴. در مواردی قرائت مورد نظر مفسر با روایت حفص قطعاً متفاوت است؛ مانند: «يُدْخَلُونَ الْجَنَّةَ» ایشان را اندر بهشت آرند» (مریم: ۶۰) بر اساس قرائات ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر و ابوجعفر و روایت شعبه از عاصم؛ «نحشروه» کسان برانگیزیم از گور» (فرقان: ۱۷) بر اساس حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر، نافع و ابن عامر و روایت شعبه از عاصم.
۵. هر چند سه جزء برای تشخیص قرائت مرجح نزد مفسر اثر، کافی نیست، ولی به جهت اهمیت نسخه و موضوع، شمارش ترجیح قرائات در موارد غیر مطابق با روایت حفص (بالغ بر ۳۶ موضع) نشان می‌دهد که بیشترین تعداد به ترتیب به قرائات ابوعمر و حمزه مربوط است. با در نظر گرفتن آنچه در کتابت اصل کلمات قرآن در نسخه مورد بررسی، دیده می‌شود، این تعداد به ترتیب ۲۳ و ۲۱ موضع است. کمترین میزان به قرائت ابن عامر با ۱۵ موضع اختصاص دارد. تنها دو موضع قرائت انفرادی حمزه نیز وجود دارد. با عنایت به اینکه محل سکونت و نشو و نما مفسر - مترجم این اثر به احتمال زیاد، منطقه خراسان بزرگ است، تداول قرائت ابوعمر و محتمل‌تر می‌نماید.

۴-۵. ترجمه سورآبادی

ترجمه سورآبادی در حدود سال ۴۷۰ ق و در زمان آلبارسلان سلجوقی به رشته تحریر درآمده است. این ترجمه به جهت قدمت، جزو آثار ارزشمند قرآنی به زبان فارسی به شمار می‌رود که افزون بر جنبه قرآنی از نظر ادبیات فارسی نیز فاخر است (ر.ک: مهیار، ۱۳۸۴: هفت - نه). ابوبکر عتیق بن محمد سورآبادی، مترجم و مفسری از کرمان نیشابور و دارای مذهب حنفی یا حنبلی است. تاریخ ولادت و شرح زندگی‌اش معلوم نیست و تنها وفات وی را به سال ۴۹۴ ق ثبت کرده‌اند (همان، هفت).

بررسی قرائات در این اثر نکات ذیل روشن می‌شود:

۱. در بسیاری از مواضع، قرائت مورد نظر سورآبادی در ترجمه روشن نیست؛ نظیر «و من تَطَوَّعَ» یا «و من يَطْوَعُ» (بقره: ۱۵۸)، «استهوته» یا «استهواه» (انعام: ۷۱) و «سُعِدُوا» یا «سَعَدُوا» (هود: ۱۰۸).
۲. در موارد زیادی، انعکاس دقیق قرائت در ترجمه ممکن نبوده است و نمی‌توان قرائت مرجح در نظر وی را متوجه شد؛ مانند: «کن فیکون» یا «کن فیکون» (بقره: ۱۱۷)، «قَتِلُوا» یا «قَتِلُوا» (حج: ۵۸) و «ذَرِيَتِهِمْ» یا «ذَرِيَتِهِمْ» (طور: ۲۱).
۳. در مواردی معدود، سورآبادی بر اساس دو قرائت ترجمه کرده است؛ از جمله: «كانوا يَكْذِبُونَ» و «كانوا يُكْذِبُونَ» (بقره: ۱۰).
۴. در مواردی، سورآبادی بر اساس قرائتی معنا کرده است که صحیح نیست؛ نظیر ترجمه «ان تَقَطَّعَ» (توبه: ۱۱۰) به صورت «که پاره کنند» که با هیچ یک از قرائات مطابقت ندارد و صحیح نیست.
۵. در مواردی قرائت مورد نظر سورآبادی با روایت حفص قطعاً متفاوت است؛ مانند «تری: بینندی» (بقره: ۱۶۵) بر اساس قرائات یعقوب، نافع و ابن‌عامر؛ «لئن انجيتنا: اگر برهانی ما را» (انعام: ۶۳) بر اساس قرائات ابوعمر، یعقوب، ابن‌کثیر، نافع، ابوجعفر و ابن‌عامر.
۶. در موارد اختلاف قرائت با قرائت عاصم به روایت حفص در ترجمه سورآبادی که به ۱۵۵ موضع می‌رسد، بیشترین فراوانی به قرائات نافع، ابوعمر و ابن‌کثیر با تعداد نزدیک به هم، به ترتیب ۱۰۴ با احتساب دو مورد روایت قالون ۱۰۶، ۱۰۳، ۱۰۱ (با احتساب یک

مورد روایت بزّی (۱۰۲) مربوط است. کمترین تعداد به روایت شعبه از عاصم با ۶۹ موضع مربوط است. انفرادات قرائت در مرتبه نخست با دو موضع به هر یک از حمزه، شعبه از عاصم و ابوجعفر و در درجه بعد با یک موضع به قرائات نافع و ابن کثیر اختصاص دارد.

۵-۵. قرائات و قاریان مشهور خراسان بزرگ

یکی از قدیمی‌ترین جغرافی‌دانانی که در خلال ذکر ویژگی‌های مناطق مختلف اسلامی در نیمه دوم قرن چهارم قمری، به مقوله قرائت قرآن می‌پردازد، ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی (حدود ۳۳۵ - ۳۸۱ق) است. وی پس از مطالعات و بررسی‌های عمیق درباره جغرافیای کشورهای اسلامی و مشاهدات حضوری از بسیاری از آن‌ها، در سال ۳۷۵ق کتاب، «احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم» را نگاشت، وی در این اثر، جمعاً ۱۲ مرتبه به موضوع قرائت پرداخته است. مهم‌ترین عبارت مقدسی درباره قرائت قرآن در ایران را در ذکر ویژگی‌های منطقه مرکزی ایران مشهور به جبال می‌توان یافت. وی در این خصوص نوشته است: «مردم منطقه جبال، قرائت ابوعبید و ابوحاتم را اختیار می‌کنند و در حکم ادغام نیز قرائت ابوعمر و ابن کثیر را برمی‌گزینند و بدان عمل می‌کنند» (همان، ۳۹۵).

از خلال بررسی منابع اصلی، به‌ویژه در طبقات قراء، نام افراد متعددی در خراسان بزرگ تا قرن پنجم قمری ملاحظه می‌شود که گرایش‌های آنان در پذیرش یا شیوع قرائت در هر منطقه تأثیرگذار است. به همین علت، به شاخص‌ترین آنان اشاره می‌شود:

۱. ابوعبید قاسم بن سلام خراسانی انصاری معروف به ابوعبید هروی که پدرش غلامی رومی و ساکن هرات بود. وی از دانشمندان نیمه دوم قرن دوم و نیمه نخست قرن سوم قمری در ایران است که به سال ۱۵۷ق در هرات متولد شد و در آن‌جا نشو و نما یافت. ابوعبید پس از کسب دانش‌های اولیه در هرات به بغداد رفت. حدود سال ۱۹۲ق، قاضی طرطوس (در ترکیه فعلی) شد. در سال ۲۱۳ق به مصر رفت و سپس به بغداد برگشت. در اواخر عمر به حج عزیمت کرد و در همان‌جا در سال ۲۲۴ق وفات یافت. او را جزء طبقه ششم قاریان به شمار آورده‌اند. از میان مشایخ وی می‌توان به اسماعیل بن جعفر، شریک بن عبدالله، ابوبکر بن عیاش و یحیی قطّان اشاره نمود. وی قرآن را بر علی بن حمزه کسائی (از قاریان سبع)، اسماعیل بن جعفر، شجاع بلخی و دیگران قرائت کرده است. در

حدود چهل سال به کتابت آثار اشتغال داشت.

از جمله مهم‌ترین آثار وی *الغریب المصنف* (نخستین کتاب در غریب الحدیث) و *فضائل القرآن* می‌باشد (ذهبی، ۱۴۱۷: ۱۰۱-۱۰۲؛ ذهبی، ۱۴۱۹: ۱۰، ۴۹۰-۵۰۹؛ ابن‌الجزری، ۱۴۲۹: ۲، ۹۱۴-۹۱۶). ابوعبید اگر نخستین نگارنده جمع‌آوری قرائات نباشد، قطعاً جزو نخستین نویسندگان در این زمینه است. کتاب وی به نقل قرائت ۲۵ قاری از جمله هفت قاری مشهور پرداخته است (ابن‌الجزری، بی‌تا: ۱، ۳۳-۳۴). بسیاری از بزرگان قرون بعدی مانند نحاس، ابوعمر و دانی، مکی قیسی، علم‌الدین سخاوی و ابوشامه مقدسی قرائات را از وی نقل می‌کنند، (سلوم، ۱۴۲۷: ۲۰۲-۲۰۳).

بررسی دقیق اصول قرائی و فرش الحروف اختیار ابوعبید با روایت حفص نشانگر آن است که اختیار ابوعبید از نظر قواعد و اصول قرائی به نسبت، ساده و از نظر تلفظ، می‌توان جزو روان‌ترین قرائات دانست. از جمله دلایل این مدعا عبارت است از: کم بودن موارد ادغام صغیر، نبود ادغام کبیر افزون بر آنچه در رسم الخط قرآن رعایت شده است و نداشتن اماله و تقلیل. از این جهت شباهت زیادی بین این اختیار با روایت حفص از عاصم ملاحظه می‌شود. اختیار ابوعبید از نظر فرش الحروف به قرائات عراقی (کوفی: حمزه، کسائی و تا حدودی خلف العاشر و بصری: ابوعمر و تا حدودی یعقوب) نزدیک است.

۲. مسعود بن صالح سمرقندی (اوایل قرن سوم) که بر افراد مختلفی از جمله ابوعمر و بن‌علاء بصری قرائت کرده است. نزدیکی این اختیار به قرائت بصری محتمل‌تر به نظر می‌رسد (ابن‌الجزری، ۱۴۲۹: ۳، ۱۲۷۵).

۳. شخصی دیگر، محمد بن عیسی اصفهانی است. وی با اینکه قرائت را به طور عرضه و سماع از خالد بن خالد، حسن بن عطیه، خلف بن هشام، نصیر بن یوسف و دیگران روایت کرده است، صاحبان تراجم، وی را دارای دو اختیار متفاوت در دوره‌های مختلف زندگی‌اش دانسته‌اند. هرچند از ویژگی‌های این دو اختیار، گزارش مستقل، مبسوط و کاملی وجود ندارد، می‌توان حدس زد هر دو اختیار یا حداقل یکی از آنها به قرائت اهل کوفه (حمزه، کسائی و خلف العاشر) نزدیک بوده است. این امر باید در شاگردش ابوعبدالله بخاری نیز تأثیر گذارده باشد (ذهبی، ۱۴۱۷: ۱۳۰؛ ابن‌الجزری، ۱۴۲۹: ۳، ۱۱۸۷-۱۱۸۸).

۶. وضعیت قرائات در مجمع البیان لعلوم القرآن

۱. طبرسی مقدمه دوم مجمع البیان را با عنوان «فی ذکر اسامی القراء المشهورین فی الامصار و رواتهم» به موضوع قاریان مشهور (ده‌گانه)، راویان ایشان (با ذکر نام بیش از دو راوی برای تعدادی از قاریان مانند ابن کثیر مکی) و بیان علت توجه و روی‌آوری مردم به آنان اختصاص می‌دهد. سپس می‌نویسد: «پس بدان که مطلب آشکار در مذهب امامیه اجماع بر جواز قرائت مطابق قرائاتی متداول بین قاریان بوده است، در مقابل اینکه یک قرائت خاصی را به آنچه از بین قاریان مجاز است، اختیار کنند و تنها به یک قرائت بسنده کنند، ناپسند دانسته‌اند. و مطلب شایع در روایاتشان آن است که قرآن (تنها) بر یک حرف نازل گردیده است» (طبرسی، ۱۳۸۴: ۱، ۱۵). سپس به نظر اهل سنت و معنای هفت حرف در نظر ایشان اشاره می‌کند. پس از آن، وجوه اختلاف در قرائات را برمی‌شمرد و نظر شیخ طوسی را ذکر می‌کند که خود با آن موافق است (همان، ۱، ۱۳-۱۶).
۲. از میان تفاسیر موجودی که پیش از مجمع البیان نگاشته شده است، باید این تفسیر را مهم‌ترین تفسیری دانست که ناظر به موضوع قرائت است. طبرسی قرائات مختلف در آیه را معمولاً با ذکر نام قاریان یادآور می‌شود و در موارد متعددی، فراتر از قاریان هفت‌گانه به قرائات صحابه، تابعان و تابعان می‌پردازد. در میان این افراد، گاهی قرائت‌های منسوب به امامان شیعه علیهم‌السلام را نیز ذکر می‌کند. از جمله این موارد عبارت است از: قرائت «تَرْجِعُونَ» (بقره: ۲۸) از یعقوب جزو قاریان ده‌گانه (طبرسی، ۱۳۸۴: ۱، ۱۶۷)؛ قرائت «أَلَا يَطُوفُ بِهِمَا» (بقره: ۱۵۸) از امام علی علیه‌السلام، ابی بن کعب، ابن مسعود، ابن عباس، انس و سعید بن جبیر (همان، ۱، ۶۰۷)؛ قرائت «وَالْأَرْحَامُ» (نساء: ۱) در قرائات شاذ (بدون ذکر نام قاری آن) (همان، ۳، ۸)؛ قرائت «ثُمَّ نُنَجِّي» (یونس: ۱۰۳) از کسائی به روایت نصیر، یعقوب به روایت روح و زید و قرائت «ثُمَّ نُنَجِّي» از سایر قاریان و همچنین نقل دیگر از روح از یعقوب؛ قرائت «نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ» در همان آیه از کسائی، حفص از عاصم، یعقوب و سهل و قرائت «نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ» از دیگر قاریان (همان، ۵، ۳۳۸).
۳. اهتمام طبرسی به بیان حجت قرائات اعم از لغت، صرف، نحو و سایر علوم ادبی، معنا و تفسیر آیه ستودنی است. وی در بسیاری از موارد حتی به بیان علت قرائات غیر مشهور نیز

پرداخته است؛ نظیر قرائت «وَهَن» (لقمان: ۱۵) از عیسی ثقفی و قرائت «فَصَلُّهُ» در همان آیه به عنوان یکی از وجوه از حسن، ابورجاء، عاصم جحدری، قتاده و یعقوب (همان، ۸، ۱۱۸)؛ قرائت «ذو القوة المتین» (ذاریات: ۵۸) از یحیی و اعمش (همان، ۹، ۳۹۵).

۴. بر خلاف اینکه طبرسی در عناوین «القراءه» و «الحجه» به توضیح قرائات مختلف می‌پردازد، در عنوان اصلی تفسیر یعنی «المعنی»، معمولاً آیه را به گونه‌ای تفسیر می‌کند که از آن قرائت خاصی قابل برداشت نیست یا ناظر به قرائت خاصی نمی‌باشد. با این حال، در تعداد قابل توجهی از مواضع به بیان معنای آیه بر اساس قرائات مختلف می‌پردازد؛ مانند: تفسیر آیه ۱۰ سوره بقره بر اساس دو قرائت «يُكذِّبُونَ» و «يَكْذِبُونَ» (همان، ۱، ۱۱۱)؛ تفسیر آیه ۵۷ سوره اعراف بر اساس سه قرائت «نُشْرَأُ»، «نُشْرَأُ» و «بُشْرَأُ» (همان، ۴، ۳۹۵)؛ تفسیر آیه ۶ سوره مریم بر اساس دو قرائت «يَرْتُئِي وَ يَرْتُ» و «يَرْتُئِي وَ يَرْتُ» (همان، ۶، ۵۹۸). در تمام مثال‌های یاد شده، قرائتی که مقدّم داشته، قرائت غیر حفص می‌باشد.

۵. در موارد انگشت‌شماری، طبرسی به قرائات موجود در آیه اشاره نکرده است؛ مانند قرائات در آیه ۴۰ سوره سبأ (همان، ۸، ۳۱۸).

۶. مواردی وجود دارد که طبرسی تفسیر آیه را بر مبنای چند قرائت ارائه می‌نماید، ولی تصریح می‌کند قرائت غیر حفص ترجیح دارد. این موارد در جدول زیر آمده است:

سوره: آیه	روایت حفص	قرائت بر اساس تفسیر	مورد پذیرش تفسیر قرائات	جلد، صفحه
بقره: ۲۲۲	حَتَّى يَطْهَرْنَ	حَتَّى يَطْهَرْنَ	حمزه، کسائی، خلف، شعبه	۱۳۲، ۲
نساء: ۱۲۸	أَنْ يُصَلِّحَا	أَنْ يَصَالِحَا	ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۲۹۶، ۳
مائده: ۵۷	وَالْكَفَّارِ	وَالْكَفَّارِ	کسائی، ابوعمر، یعقوب	۵۲۲، ۳
مائده: ۱۱۵	مُنزَلَهَا	مُنزَلَهَا	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر	۶۵۰، ۳
انعام: ۸۳	دَرَجَاتٍ مِنْ	دَرَجَاتٍ مِنْ	ابوعمر، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۱۴۶، ۴
فاطر: ۳۳	وَلَوْوَأُ	وَلَوْوَأُ	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، ابن عامر	۳۵۸، ۸
صافات: ۴۷	يُنزَفُونَ	يُنزَفُونَ	حمزه، کسائی، خلف	۴۴۹، ۸
جن: ۳-۴	وَأَنَّهُ	وَأَنَّهُ	شعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع	۲۱۳، ۱۰

جن: ۵	وَ أَنَا	وَ إِنَّا	شعبه، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر	۲۱۳، ۱۰
جن: ۶	وَ أَنَّهُ	وَ إِنَّهُ	شعبه، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع	۲۱۳، ۱۰
جن: ۷	وَ أَنَّهُمْ	وَ إِنَّهُمْ	شعبه، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر	۲۱۳، ۱۰
جن: ۸-۱۳	وَ أَنَا	وَ إِنَّا	شعبه، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر	۲۱۳، ۱۰

۷. قرائتی که بیشترین فراوانی را در میان ۱۸ موضع یاد شده دارد، قرائت ابو عمرو و سپس قرائات یعقوب و ابن کثیر است که بیشترین نزدیکی را با آن دارند. کمترین میزان به قرائات ابن عامر، حمزه و خلف اختصاص دارد.

۸. مواردی که طبرسی آیه را فقط بر اساس قرائت غیر حفص معنا می‌کند و هیچ اشاره‌ای - مستقیم یا غیرمستقیم - به قرائت عاصم به روایت حفص در تفسیر آیه ندارد، در جدول زیر آمده است:

سوره: آیه	روایت حفص	قرائت بر اساس تفسیر	مورد پذیرش تفسیر	قرائات	جلد، صفحه
بقره: ۹	وَ مَا يُخَدَعُونَ	وَ مَا يُخَادِعُونَ	ابو عمرو، ابن کثیر، نافع	۱۰۷، ۱	۱۰۷، ۱
بقره: ۱۷۷	لَيْسَ الْبِرُّ	لَيْسَ الْبِرُّ	کسائی، خلف، شعبه، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۶۶۹، ۱	۶۶۹، ۱
آل عمران: ۸۳	يُرْجَعُونَ	تُرْجَعُونَ	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابو عمرو، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۵۰۵، ۲	۵۰۵، ۲
آل عمران: ۱۱۵	وَ مَا يَفْعَلُوا... فُلن	وَ مَا تَفْعَلُوا... فُلن	شعبه، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۵۵۳، ۲	۵۵۳، ۲
نساء: ۹۵	غَيْرُ أُولَى الضَّرر	غَيْرَ أُولَى الضَّرر	کسائی، خلف، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۲۴۲، ۳	۲۴۲، ۳
نساء: ۱۲۴	يَدْخُلُونَ	يُدْخَلُونَ	شعبه، ابو عمرو، روح، ابن کثیر، ابوجعفر	۲۸۸، ۳	۲۸۸، ۳
نساء: ۱۵۲	سوف يُؤْتِيهِم	سوف نُوْتِيهِم	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۳۲۹، ۳	۳۲۹، ۳

مائده: ۱۰۷	اَسْتَحِقَّ	اَسْتَحِقَّ	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۶۳۵، ۳
انعام: ۶۳	لئن انجانا	لئن انجیننا	ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۱۰۹، ۴
انعام: ۱۲۴	رِسالَتِهِ	رِسالَاتِهِ	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابو عمرو، یعقوب، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۲۲۴، ۴
انعام: ۱۶۱	قِيَمًا	قِيَمًا	ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر	۲۹۶، ۴
اعراف: ۸۱	اِنْكُمْ	اَنْتُمْكُمْ	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، ابن عامر	۴۲۶، ۴
اعراف: ۱۱۳	اِنَّ لَنَا	اَيْنَ لَنَا	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابو عمرو، یعقوب، ابن عامر	۴۶۵، ۴
اعراف: ۱۶۴	مَعْدِرَةٌ	مَعْدِرَةٌ	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۵۴۰، ۴
توبه: ۶۶	اِنْ نَعَفُ... نَعَدِبُ	اِنْ يُعَفَّ... تُعَذَّبُ	حمزه، کسائی، خلف، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۱۱۷، ۵
توبه: ۹۸	السَّوْءِ	السَّوْءِ	ابو عمرو، ابن کثیر	۱۵۵، ۵
توبه: ۱۰۳	صَلَاتِكَ	صَلَوَاتِكَ	شعبه، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۱۶۸، ۵
یونس: ۲۳	مَتَاعٍ	مَتَاعٍ	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۲۵۰، ۵
هود: ۲۸	فَعَمِيَّتٍ	فَعَمِيَّتٍ	شعبه، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۳۸۵، ۵
هود: ۷۱	يَعْقُوبَ	يَعْقُوبُ	کسائی، خلف، شعبه، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر	۴۴۸، ۵
هود: ۱۱۱	لَمَّا	لَمَّا	کسائی، خلف، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع	۴۹۷، ۵
هود: ۱۲۳	تَعْمَلُونَ	يَعْمَلُونَ	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابو عمرو، ابن کثیر	۵۱۴، ۵
یوسف: ۱۲	يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ	نَرْتَعُ وَنَلْعَبُ	ابو عمرو، ابن کثیر، ابن عامر	۵۳۶، ۵

یوسف: ۶۴	خَيْرٌ حَافِظًا	خَيْرٌ حَنِيفًا	شعبه، ابو عمرو، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابو جعفر، ابن عامر	۵. ۶۱۹
نحل: ۷۹	الْمَ يَرُوا	الْمَ تَرُوا	حمزه، خلف، يعقوب، ابن عامر	۶. ۲۷۵
کهف: ۹۳	السُّدَّيْنِ	السُّدَّيْنِ	حمزه، كسائي، خلف، شعبه، يعقوب، نافع، ابو جعفر، ابن عامر	۶. ۵۷۶
مريم: ۶۷	أَوْ لَا يَذْكُرُ	أَوْ لَا يَذْكُرُ	حمزه، كسائي، خلف، ابو عمرو، يعقوب، ابن كثير، ابو جعفر	۶. ۶۵۳
طه: ۱۳۳	أَوْ لَمْ تَأْتِهِمْ	أَوْ لَمْ يَأْتِهِمْ	حمزه، كسائي، خلف، شعبه، رويس، ابن كثير، ابن وردان، ابن عامر	۷. ۱۰۴
انبیاء: ۴	قَالَ	قُلْ	شعبه، ابو عمرو، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابو جعفر، ابن عامر	۷. ۱۰۹
انبیاء: ۱۰۴	لِلْكَتَبِ	لِلْكِتَابِ	شعبه، ابو عمرو، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابو جعفر، ابن عامر	۷. ۱۸۲
انبیاء: ۱۱۲	قَالَ	قُلْ	حمزه، كسائي، خلف، شعبه، ابو عمرو، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابو جعفر، ابن عامر	۷. ۱۸۷
حج: ۲۵	سَوَاءً	سَوَاءً	حمزه، كسائي، خلف، شعبه، ابو عمرو، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابو جعفر، ابن عامر	۷. ۲۱۹
مؤمنون: ۹۲	عَالِمٍ	عَالِمٌ	حمزه، كسائي، خلف، شعبه، نافع، ابو جعفر	۷. ۳۱۵
نور: ۱۱	كِبْرَةً	كِبْرَةً	يعقوب	۷. ۳۴۹
فرقان: ۱۰	وَيَجْعَلُ	وَيَجْعَلُ	شعبه، ابن كثير، ابن عامر	۷. ۴۲۹
فرقان: ۱۷	يَحْشُرْهُمْ	نَحْشُرْهُمْ	حمزه، كسائي، خلف، شعبه، ابو عمرو، نافع، ابن عامر	۷. ۴۳۵
فرقان: ۱۹	فَمَا تَسْتَطِيعُونَ	فَمَا يَسْتَطِيعُونَ	حمزه، كسائي، خلف، شعبه، ابو عمرو، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابو جعفر، ابن عامر	۷. ۴۳۶
شعراء: ۱۹۳	نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ	نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ	حمزه، كسائي، خلف، شعبه، يعقوب، ابن عامر	۷. ۵۳۸
نمل: ۷	بِشِهَابٍ	بِشِهَابٍ	ابو عمرو، ابن كثير، نافع، ابو جعفر، ابن عامر	۷. ۵۵۵
نمل: ۸۰	وَلَا تَسْمَعُ الصَّمَّةُ	وَلَا يَسْمَعُ الصَّمَّةُ	ابن كثير	۷. ۶۱۱
نمل: ۸۲	أَنَّ النَّاسَ	إِنَّ النَّاسَ	ابو عمرو، ابن كثير، نافع، ابو جعفر، ابن عامر	۷. ۶۱۴

نمل: ۸۸	تَفْعَلُونَ	يَفْعَلُونَ	ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، هشام	۶۲۰، ۷
قصص: ۵۷	يُجِيبِي	تَجِيبِي	رویس، نافع، ابوجعفر	۶۷۸، ۷
روم: ۱۱	تُرْجَعُونَ	يُرْجَعُونَ	شعبه، ابوعمر	۷۵، ۸
روم: ۲۲	لِلْعَالَمِينَ	لِلْعَالَمِينَ	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۸۲، ۸
احزاب: ۵۲	لَا يَحِلُّ	لَا تَحِلُّ	ابوعمر، یعقوب	۲۵۵، ۸
فاطر: ۸	فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ	فَلَا تَذْهَبِ نَفْسُكَ	ابوجعفر	۳۴۰، ۸
فاطر: ۴۰	بَيِّنَاتٍ	بَيِّنَاتٍ	کسائی، شعبه، یعقوب، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۳۶۵، ۸
یس: ۵	تَنْزِيلًا	تَنْزِيلًا	شعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر	۳۷۸، ۸
یس: ۷۰	لِيُنذِرَ	لِيُنذِرَ	یعقوب، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۴۲۱، ۸
صافات: ۶	بِزِينَةٍ	بِزِينَةٍ	کسائی، خلف، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۴۳۶، ۸
صافات: ۷۴، ۴۰، ۱۶۰، ۱۲۸، ۱۶۹	الْمُخْلِصِينَ	الْمُخْلِصِينَ	ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، ابن عامر	۴۴۷، ۸
ص: ۵۳	تَوْعَدُونَ	يُوعَدُونَ	ابوعمر، ابن کثیر	۵۴۶، ۸
غافر: ۵۸	تَتَذَكَّرُونَ	يَتَذَكَّرُونَ	ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۶۶۶، ۸
فصلت: ۴۷	ثُمَّرَاتٍ	ثُمَّرَاتٍ	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر	۴۶، ۹
شوری: ۲۵	تَفْعَلُونَ	يَفْعَلُونَ	شعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۷۴، ۹
زخرف: ۲۴	قَالَ	قُلْ	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر	۱۱۱، ۹
زخرف: ۷۱	تَشْتَهِيهِ	تَشْتَهِي	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر	۱۳۸، ۹
دخان: ۴۵	يَعْلَى	تَعْلَى	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر، روح، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۱۶۷، ۹
جاثیه: ۲۱	سَوَاءً	سَوَاءً	شعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر	۱۸۹، ۹

فتح: ۶	ظن السَّوِّء... دائرة السَّوِّء	ظن السَّوِّء... دائرة السَّوِّء	ابوعمر، ابن کثیر	۹، ۲۷۸
ذاریات: ۲۳	مِثْلُ	مِثْلُ	حمزه، کسائی، خلف، شعبه	۹، ۳۸۵
نبأ: ۳۷	رَبِّ	رَبِّ	ابوعمر، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر	۱۰، ۳۶۳
نبأ: ۳۷	الرَّحْمَنِ	الرَّحْمَنِ	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر	۱۰، ۳۶۳

۹. قرائتی که بیشترین فراوانی را در میان ۷۲ موضع یاد شده دارد، قرائت ابوعمر و در مرتبه بعد، قرائت ابن کثیر است. قرائات کوفیان در پایین‌ترین رتبه قرار دارد. نکته جالب توجه این است که در یک موضع، قرائت یعقوب و یک موضع قرائت ابوجعفر، قرائت مرجح طبرسی است.

۱۰. در مجموع باید ابراز کرد: قرائتی که بیشترین ترجیح را نزد طبرسی در تفسیر دارد، قرائت ابوعمر و بصری است. شاید مهم‌ترین ویژگی قرائت ابوعمر و را بتوان در تسلط وی بر ادب عربی و داشتن شیوخ متعدد در قرائت دانست که این دو ویژگی در هیچ یک از قاریان هفت‌گانه غیر از او جمع نشده است.

۷. وضعیت قرائات در جوامع الجامع

۱. طبرسی در جوامع الجامع برخلاف مجمع البیان، به خاطر اختصار و تغییر رویه، در موارد زیادی به قرائات اشاره نمی‌کند، ولی از ظاهر تفسیر هم مشخص نیست کدام قرائت را به عنوان قرائت پایه در نظر داشته است.

۲. در مقدمه جوامع الجامع، بر خلاف مجمع البیان هیچ اشاره‌ای به بحث قرائات نشده است.

۳. در موارد اندکی، ترجیح قرائت غیر حفص در نظر طبرسی مشخص است؛ از جمله ترجیح قرائت «وَعَدْنَا» (بقره: ۵۱) از ابوعمر و (ابن مجاهد، بی‌تا: ۱۵۵؛ دانی، ۱۳۶۲: ۷۳) بر قرائت «وَأَعَدْنَا» از دیگر قاریان (طبرسی، ۱۳۷۸: ۱، ۱۰۴)؛ قرائت «اسْتَحَقَّ» (مائده: ۱۰۷) از غیر حفص (ابن مجاهد، بی‌تا: ۲۴۸؛ دانی، ۱۳۶۲: ۱۰۰) بر قرائت «اسْتَحَقَّ» از حفص (طبرسی ۱۳۷۸: جوامع الجامع، ۱، ۵۴۲)؛ قرائت «وَجَاعِلُ اللَّيْلِ» (انعام: ۹۶) از ابوعمر، ابن کثیر، نافع و ابن عامر (ابن مجاهد، بی‌تا: ۲۶۳؛ دانی، ۱۳۶۲: ص ۱۰۵) بر قرائت «وَجَعَلَ

اللیل» از دیگر قاریان (طبرسی ۱۳۷۸: جوامع الجامع، ۱، ۵۹۶)؛ قرائت «قُل» (انبیاء: ۱۱۲) از غیر حفص (ابن مجاهد، بی‌تا: ۴۳۱؛ دانی، ۱۳۶۲، ۱۵۶) بر قرائت «قال» از حفص (طبرسی ۱۳۷۸: جوامع الجامع، ۲، ۵۴۳).

۴. بررسی اجمالی نشان می‌دهد در هیچ یک از مواردی که طبرسی قرائت غیر حفص را به طور قطعی در مجمع البیان برگزیده است، در جوامع الجامع چنین قطعیتی وجود ندارد، بلکه وی به قرائات اشاره می‌کند هر چند به قرائت غیر حفص ترجیح می‌دهد؛ مانند مواردی که در عنوان پیشین یاد شد. در موارد فراوان هم قرائت مورد نظرش روشن نیست؛ مانند قرائت «فیوفیهم» یا «فنفویهم» (آل عمران: ۵۷) (همان، ۱، ۲۹۲)، قرائت «سوف یؤتیهم» یا «سوف نؤتیهم» (نساء: ۱۵۲) (همان، ۱، ۴۵۷)، قرائت «عمّا یقولون» یا «عمّا تقولون» (اسراء: ۴۳) (همان، ۲، ۳۷۴).

۵. در موارد بسیار نادری، ظاهر کلام وی به انتخاب قرائتی غیر از حفص تصریح دارد؛ مانند قرائت «اِنَّکمْ لتأتون» (اعراف: ۸۱) (همان، ۲، ۶۷۳) از حمزه، کسائی، شعبه، ابوعمر و ابن کثیر و ابن عامر (ابن مجاهد، بی‌تا: ۲۸۶؛ دانی، ۱۳۶۲: ۱۱۱).

۶. در مجموع به نظر می‌رسد، الگوی کامل طبرسی در جوامع الجامع، الکشاف زمخشری می‌باشد. این الگو حتی در موضوع قرائت، تأثیر مستقیمی بر جای گذاشته است؛ نحوه ورود طبرسی به این موضوع در مجمع البیان و جوامع الجامع کاملاً متفاوت می‌باشد. البته جمع‌بندی کلی در موضوع قرائت از نظر طبرسی در جوامع الجامع نیز برتری قرائت ابوعمر و بصری می‌باشد.

نتیجه

۱. تا دوره زندگی طبرسی (قرن پنجم) در منطقه خراسان قرائت خاصی از میان هفت قرائت مشهور تعیین نیافته و بیشتر بر اساس اختیارهای خاص دانشمندان برجسته منطقه عمل می‌شده است.

۲. گرایش‌های موجود در مصاحف، ترجمه‌ها و تفاسیر در محدوده زمانی و مکانی مورد تحقیق، تمایل بیشتر به قرائت ابوعمر و بصری (به عنوان شاخص قرائت اهل بصره) را نشان می‌دهد.

- ۳- ترجیح قرائت ابوعمر و بصری را می‌توان به دو مطلب مربوط نمود: نخست مطابقت یا نزدیکی بیشتر این قرائت با ادبیات عرب؛ دوم اینکه بسیاری از مقریان منطقه خراسان بزرگ، قرائت را از شاگردان ابوعمر و بصری اخذ نموده‌اند.
- ۴- طبرسی به عنوان عالم برجسته خراسان در قرون پنج و شش قمری، مبنای خود را در قرائت با این اعتقاد که دانشمندان شیعه ترجیح مطلق یک قرائت از میان قرائات مشهور را ناپسند می‌داشته‌اند، به صورتی که در آن منطقه رایج بوده، قرار داده است؛ یعنی تمایل بیشتر به قرائت ابوعمر و بصری در مواردی که با مفهوم آیه سازگارتر است.
- ۵- اختلاف‌هایی بین دیدگاه طبرسی و عالمان پیش از وی در جزئیات وجود دارد و نمی‌توان آن را به طور کامل بر یکی از مصاحف یا ترجمه‌های گذشته منطبق نمود.

منابع

۱. ابن الجزری، ابوالخیر محمد بن محمد (۱۴۲۹)، غایه النهایه فی طبقات القراء، محقق جمال الدین محمد شرف و مجدی فتحی السید، طنطاء: دار الصحابه للتراث.
۲. ابن الجزری، ابوالخیر محمد بن محمد (بدون تاریخ)، النشر فی القراءات العشر، محقق محمد علی ضبّاع، بیروت: دارالکتب العربی.
۳. ابن مجاهد، احمد بن موسی (بدون تاریخ)، السبعه فی القراءات، محقق شوقی ضیف، قاهره: دار المعارف.
۴. المكتبة الشاملة (بدون تاریخ)، بی جا: بی نا.
۵. امین، محسن (۱۴۲۰)، اعیان الشیعه، محقق حسن امین، بیروت: دار التعارف.
۶. ایازی، محمد علی (۱۳۸۶)، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات.
۷. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۵)، تاریخ ترجمه از عربی به فارسی (از آغاز تا عصر صفوی)، تهران: انتشارات سروش.
۸. بخشی از تفسیری کهن به پارسی (۱۳۷۵)، محقق و مصحح مرتضی آیت الله زاده شیرازی، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب؛ مرکز فرهنگی نشر قبله.
۹. جامع الاحادیث (بدون تاریخ)، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور).
۱۰. جامع التفاسیر نور (بدون تاریخ)، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور).
۱۱. دانی، ابو عمر عثمان بن سعید (۱۳۶۲)، التیسیر فی القراءات السبع، مصحح اوتوبرتزل، تهران: کتابفروشی جعفری.
۱۲. ذهبی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۴۱۷)، معرفة القراء الکبار علی الطبقات و الاعصار، محقق ابو عبدالله محمد حسن محمد حسن اسماعیل شافعی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۳. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان (۱۴۱۹)، سیر اعلام النبلاء، مشرف بر تحقیق شعیب ارنؤوط، بیروت: موسسه الرساله.
۱۴. ذهبی، محمد حسین (بدون تاریخ)، التفسیر و المفسرون، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۵. سلّم، احمد بن فارس (۱۴۲۷)، جهود الامام ابی عبید القاسم بن سلام فی علوم القراءات و تحقیق اختیاره فی القراءه، بیروت: دار ابن حزم.

۱۶. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۷۸)، جوامع الجامع، مصحح: ابوالقاسم گرگی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ سمت.
۱۷. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۸۴)، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران: شرکت چاپ و انتشارات اسوه.
۱۸. طهرانی، آغابزرگ (۱۹۷۲)، طبقات اعلام الشیعه (الثقات العیون فی سادس القرون)، محقق علی‌نقی منزوی، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۹. عتیق نیشابوری سورآبادی، ابوبکر (مترجم.) (۱۳۸۴)، قرآن کریم، مصحح محمد مهیار، تهران: کلیدر.
۲۰. عمادی حائری، محمد (۱۳۸۶)، قرآن فارسی کهن (تاریخ، تحریرها، تحلیل)، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
۲۱. کحاله، عمر رضا (بدون تاریخ)، معجم المؤلفین، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. متینی، جلال (۱۳۵۲)، تفسیری بر عشری از قرآن مجید، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲۳. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۷)، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، تنقیح قاسم نوری، مشهد: الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه.
۲۴. مقدسی، شمس‌الدین ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر (۱۹۰۶)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، مصحح M.J. DE GOESE، بیروت: دار صادر.
۲۵. یغمائی، حبیب (۱۳۴۴)، ترجمه (منسوب) به تفسیر طبری، ترجمه جمعی از مترجمان، تهران: دانشگاه تهران.